

یادداشت

کار، کار انگلیسی‌هاست

هم از لحاظ ادبی و هم از نظر محتوا: «کار، کار انگلیسی‌هاست»؛ یعنی نه‌تنها در مسائل کلان سیاسی و اجتماعی رد پای آنها را می‌توان دید، بلکه حتی در مشاجره‌های خانوادگی هم خبری از آنهاست. این بیان، ذهنیتی است که همه چیز را سیاه و سفید می‌بیند و با ساده‌انگاری در پی پاسخ‌گویی به کوتاهی‌ها و نارسایی‌هاست. انتخاب این داستان و پرداخت نمایشی دقیق آن به خاستگاه و تسلط تقوایی به ادبیات و شناخت تاریخ معاصر برمی‌گردد. تقوایی با آنکه با سینما شناخته می‌شود، اما در ادبیات ریشه دارد و سره را از ناسره می‌شناسد و با این رویکرد برای گفتن حرف‌هایش از ادبیات فراتر می‌رود و سینما را برمی‌گزیند. خودش در جایی می‌گوید بُرد سینما بیشتر از ادبیات است، به‌ویژه در این زمانه که تیراژ کتاب به اندازه یک سانس یک فیلم سینمایی نیست. اثر دیگری از این گونه که از تقوایی در دسترس است، ناخدا خورشید است. او اگر با همان پاکی و صداقتی که داشت، خود نگفته بود، کمتر کسی می‌توانست آن را اقتباس از داشتن و نداشتن همینگوی بداند. آنجا هم نشانی از تسلط او به ادبیات و شناخت فرهنگ آشکار است. او آن‌قدر با فولکلور و خرده‌فرهنگ‌ها آشناست که توانسته بخش بومی اثر را آن‌چنان برجسته‌سازی کند که با متن نویسنده آمریکایی بسی متفاوت باشد؛ در عین آنکه اصول اقتباس را فراموش نکرده و جان مطلب یکی است.

شاید تقوایی را که خود برخاسته از آبادان، از مراکز عمده نوآوری و تکثر و همزیستی فرهنگی در ایران است، بتوان قدرتمندترین فیلم‌ساز بومی کشور نام نهاد. از دیگر کارهایی که ما را به سمت‌وسوی تقوایی کشاند، اهمیت ثبت تعزیه به‌عنوان میراث فرهنگی ایران در یونسکو بود. بهترین کسی که می‌توانست تصویری درست و قابل اعتنا و اعتماد از این آیین ارائه دهد و ملاحظات بومی این سو و آن سو این مرزوبوم را در نظر داشته باشد، او بود. ضرورت ساخت مستندی دراین‌باره از آنجا شکل گرفت که در جشنواره آوینیون نخستین‌بار و البته آخرین‌بار در اروپا تعزیه ایران به نمایش درآمد و استقبال شایسته‌ای از آن شد. تعزیه‌گردان در آن اجرا به من گفت: اگر هنرهای آیینی و بومی کشورمان بخواهد روزآمد و ماندگار شود، نیاز به جای ویژه‌ای دارد. ما نیز زمین مناسب را در کنار تئاتر شهر می‌دانستیم که با الگوگرفتن از بنای تکیه‌دولت، مرکزی برای این‌گونه هنرها شود و حتی آن را به قرینه تئاتر شهر، تکیه‌شهر نامیدیم که شهرداری مانع شد و بنایی در آنجا برپا کرد و نام آن را مسجد گذاشت. به هر حال با اتفاقات نیکویی که در جشنواره فرانسه شاهد بودیم، در پی ثبت این میراث در یونسکو برآمدم. زبان فیلم گویتار از هر کلام و نوشته‌ای است. آقای تقوایی بیش‌ازاین در همه‌های ۴۰ و ۵۰ عزاداری مردم بوشهر و مشهد اردהל را به بهترین شکل ساخته بود و برای چنین کاری از همه مناسب‌تر بود. او براساس همان روایت مشهور و معتبر میرزای کاشانی در دوره قاجار این اثر را ساخت و سپس از آن با کمک همین مستند، تعزیه به نام ایران در فهرست میراث جهانی ثبت شد. از آنجا که تعزیه با حضور و مشارکت بینندگان معنا می‌یابد، تقوایی ساختار و نام این اثر را تمرین آخر گذاشت که بتواند برای نمایش اجرای تعزیه بدون حضور تماشاگر صحنه را بازنمایی کند و در پایان بیننده را به تعزیه اضافه کند. حیف شد که کارنامه ارائه‌شده این بزرگمرد ادبیات و سینما ناتمام ماند و بیش‌ازآن در اختیار عموم قرار نگرفت. هر چند می‌دانیم تقوایی هیچ‌گاه از خلق اثر چه نوشته، چه عکاسی، چه تصویر و چه تدوین بازنایستاد و اطمینان داریم کنجینه پنهان او روزی آشکار شود و آن تجربه ممتد او همگان درس‌های جدید بیاموزند. زمانی برای معرفی این کنجینه تلاش ناکامی به عمل آمد. تقوایی می‌گفت من به آن معنا که دیگران حرفه‌ای هستند، حرفه‌ای نیستم اما به یقین او حرفه‌ای‌ترین سینماگر روزگار ماست؛ چراکه بسیاری از سینماگران بر این باورند که آتاز او مدرسه سینماست و علاقه‌مند بودند که تقوایی فیلم بسازد تا فیلم‌سازی را فراموش نکنند. نام و یادش گرامی باد.

هشدار به دولت و مسئولان ورزشی کشور

حاشیه مسابقات ورزشی آلوده به سیاست و قوم‌گرایی شده بود و اگرچه این مسابقه علت جنگ خونین بالکان و فروپاشی یوگسلاوی نبود، اما نقش مشهودی در تحریک احساسات قومی بازی کرد. یک سال بعد، درگیری‌های خونین نظامی در جنگ بوسنی و دیگر نزاعات بالکان موجب شد تا در دل اروپا ده‌ها هزار نفر قربانی سسل‌کشی شوند. فوتبال در این مسابقه به‌عنوان جایگزین جنگ عمل کرد و خصومت جمعی را عمیق‌تر کرد.

۲. داستان سلیمان هاویمانا در رواندا، وجوهی از ظرفیت بالای خشونت را در منازعات قومی نمایش می‌دهد. سلیمان هاویمانا یک مرد معمولی هوئو بود که در کنار همسایگان توتسی خود زندگی می‌کرد. تا ۱۹۹۴ این همسایگان با آرامش در کنار یکدیگر زندگی کرده و ارتباطات گسترده‌ای داشتند و به جشن‌ها و غم‌های هم شریک بودند و حتی ازدواج‌هایی نیز میان هوئوها و توتسی‌ها صورت گرفته بود. با آغاز حملات هوئوها به توتسی‌ها، سلیمان هاویمانا در «آنی» بر سر درواهی قرار گرفت؛ یا باید همسر توتسی خود را می‌کشت تا خود و فرزندانش سالم بمانند یا اینکه خود و خانواده کشته شوند. او در اوج درماندگی و هرج‌ومرج و وحشت، همسر توتسی خود را به قتل رساند. او این عمل وحشیانه را نه از روی بغض و کینه نسبت به همسر، بلکه برای اثبات وفاداری اجباری به جوخه‌های مرگ و نجات جان بقیه خانواده‌اش انجام داد. این فاجعه مانند فجایع مشابه در بالکان، رواندا و دیگر نقاط جهان که به نسل‌کشی یا درگیری‌های خونین منجر شد، نشان می‌دهد چگونه در یک «آن» در حاشیه مسابقه ورزشی در ورزشگاه یا در حوزه عمومی، غفلت از افراطی‌گری قومی می‌تواند به فجایع دردناکی مبدل شود.

۳. حواشی مسابقات ورزشی یا مدیون بر تفاوت‌های قومی و زبانی و تباری می‌تواند و استعداد مبدل‌شدن به تنش‌ها و آشوب‌ها و فراتر از آن خون‌ریزی گسترده را دارد. این تجربه بشری است؛ تجاری که گاه مایه شرمساری است و با قتل و خون‌ریزی لجام‌گسیخته و تجاوز و آوارگی و درد و رنج جانکاه انبوهی هزاران نفره از انسان‌ها همراه بوده و بسیاری از شهروندان عادی را به جنایتکار مبدل کرد.

۴. ایران عزیز ما هیچ‌گاه صحنه چنین تنش‌ها و آشوب‌های لجام‌گسیخته‌ای نبوده است، اما این سخن به آن معنا نیست که ما ایرانیان مصونیت ابدی داریم. اگر حواسمان نباشد و بی‌مبالاتی پیشه کنیم، خدای ناکرده هرج‌ومرج و خشونت می‌تواند به ما رو کند. چندی است در حاشیه برخی مسابقات فوتبال و مسابقات والیبال در غرب و جنوب کشور شاهد ورود قوم‌گرایی به ورزشگاه‌ها بوده‌ایم. وندالیسم خود در کمین است؛ اگر با قوم‌گرایی هم آغشته شود، استعداد آشوب آن دوچندان می‌شود. در هفته‌های گذشته در استان آذربایجان غربی برخی رویدادهای ناگوار در قالب توهین‌های قومی و تباری روی داد. سکوت مقامات مسئول استانی از سویی و همراهی یکی از اعضای شورای شهر تبریز با رویداد از سوی دیگر، نمایانگر اتفاقات زیر جلدی نگران‌کننده‌ای است. بارها صاحب این قلم در اینجا به مسئولان کشوری و استانی و مسئولان فدراسیون فوتبال و والیبال انداز و هشدار مشفقانه داده و البته گوش شنوایی نبوده است. اگر خدای ناکرده این حواشی سمت‌وسوی بدتری به خود گرفت، همه مسئولانی که در این باره فقط سکوت کردند، مسئول هستند و باید پاسخ‌گوی ملت ایران باشند. جولان این رفتارها باید مهار شود؛ وگرنه استمرار این وضعیت به پیامدهای مخاطره‌انگیزی ختم می‌شود. مسئولان مربوطه از صندلی ریاست برنخیزند و تا دیر نشده اقدامی کنند. آیا برای مدیریت این بی‌تدبیری‌ها تدبیری اندیشیده می‌شود؟ فراموش نکنیم رقبای منطقه‌ای کشور هم در حال تلاش برای اثرگذاری بر مباحث قومی در کشور هستند.



بررسی وضعیت تجارت الکترونیک و چالش‌های کسب‌وکارهای آنلاین

اقتصاد دیجیتال در بحران

شرق: اقتصاد دیجیتال، به‌عنوان یکی از ارکان تحول اقتصادی در جهان، نقشی حیاتی در رشد و توسعه پایدار ایفا می‌کند. در ایران، این حوزه در سال‌های اخیر شاهد پیشرفت‌هایی بوده، اما همچنان با چالش‌های متعددی در زمینه سیاست‌گذاری، زیرساخت‌ها، سرمایه‌گذاری و تعامل میان بخش خصوصی و دولت مواجه است. مرکز توسعه تجارت الکترونیکی ایران در سال

۱۴۰۳ را منتشر کرده که تصویری شفاف از وضعیت کسب‌وکارهای آنلاین ارائه می‌دهد. به گفته مدیران و فعالان این حوزه، در رویدادی که به مناسبت رونمایی از این گزارش برگزار شد، رشد بخش تجارت الکترونیک کشور با مشکلات بی‌سابقه‌ای نسبت به چند سال گذشته همراه شده و هر سال این مشکلات به جای حل‌شدن، پیچیده‌تر می‌شوند؛ از تضاد قوانین و نبود شفافیت گرفته تا ضعف زیرساخت‌های نظارتی و مالی.

در اقتصاد دیجیتال ایران عملا متوقف شده است و نبود شفافیت در استفاده از داده‌های عمومی و خصوصی، فضای بی‌پربهام ایجاد کرده که بخش خصوصی را از همکاری با دولت بازمی‌دارد. یکی دیگر از چالش‌های مهم، نبود یک نهاد جامع نظارتی و اجرایی در حوزه اقتصاد دیجیتال است. حسین حیدر، مدیرعامل تکنولایف، در این رویداد تأکید کرد این خلأ، موجب پراکندگی سیاست‌ها و افزایش پیچیدگی‌های ناشی از تعدد نهادهای تصمیم‌گیر شده است. او بر این باور است که ایجاد یک نهاد واحد می‌تواند اعتماد بخش خصوصی را بازگرداند و نگرانی‌های دولت درباره مدیریت داده و نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی را کاهش دهد. گزارش تجارت الکترونیکی سال ۱۴۰۳ نیز به این موضوع اشاره دارد. در حال حاضر، ۹ مرکز صدور گواهی امضای الکترونیکی فعال در کشور وجود دارد که چهار مرکز خصوصی و پنج مرکز دولتی هستند. هرچند شمار مراکز دولتی بیشتر است، اما مراکز خصوصی ۷۱ درصد از گواهی‌های صادره را به خود اختصاص داده‌اند. این موضوع نشان‌دهنده ظرفیت بالای بخش خصوصی در ارائه خدمات زیرساختی است که می‌توانند در صورت حمایت مناسب، نقش مؤثری در توسعه اقتصاد دیجیتال ایفا کند.

کمبود سرمایه‌گذاری و ضعف در تأمین مالی

یکی از مشکلات اساسی اقتصاد دیجیتال ایران، عدم دسترسی کسب‌وکارها به روش‌های متنوع تأمین سرمایه است. طبق گزارش تجارت الکترونیکی، ۹۳.۸ درصد کسب‌وکارها تأمین مالی خود را از منابع شخصی انجام داده‌اند؛ درحالی‌که ابزارهایی مانند جمع‌سپاری مالی، شتاب‌دهنده‌ها و منابع دولتی سهمی کمتر از دو درصد دارند.

مسعود طباطبایی، مدیرعامل دیجی‌کالا، این وضعیت را ناشی از نبود زیرساخت‌های مناسب برای عرضه سهام در بازار سرمایه و انتشار داده‌های عمومی از سوی نهادهای دولتی می‌داند. وی معتقد است شفاف‌سازی اولویت‌های سرمایه‌گذاری و ایجاد بستر مناسب برای نوآوری، می‌تواند نقطه عطفی در جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی باشد. محمد خلیج، مدیرعامل اسنپ، تأکید می‌کند که داده یکی از منابع کلیدی اقتصاد دیجیتال است، اما در ایران به جای استفاده از داده‌ها برای ایجاد ارزش مشترک، از آنها برای رقابت و تضاد استفاده می‌شود. نبود استانداردهای مشخص برای تولید و تبادل داده میان بخش خصوصی و دولت، موجب شده ارتباط میان این دو بخش ناکارآمد باشد.

محمدهادی زاهدی، رئیس انجمن هوش مصنوعی ایران نیز بر اهمیت حکمرانی داده تأکید کرد و معتقد است باید استانداردهای ملی برای تولید و تبادل داده تدوین شود. وی پیشنهاد ایجاد یک نهاد ترکیبی میان بخش خصوصی و دولت را مطرح کرد تا بتواند به ساماندهی و اشتراک داده‌ها کمک کند.

نقش محدود تجارت الکترونیکی در اقتصاد ایران

گزارش تجارت الکترونیکی ۱۴۰۳ نشان می‌دهد که تجارت الکترونیکی ایران هنوز سهم محدودی از اقتصاد کلان کشور را دارد. به‌رغم رشد درخور توجه ارزش معاملات، تمرکز جغرافیایی بازار در تهران و ضعف اعتماد عمومی باعث شده است ظرفیت‌های این حوزه به‌طور کامل شکوفا نشود. در همین زمینه، با توجه به اظهارات مدیران و فعالان تجارت الکترونیک در رویداد رونمایی از وضعیت تجارت الکترونیک ایران در سال ۱۴۰۳، پیشنهادهایی برای توسعه اقتصاد دیجیتال ایران مطرح شد که می‌توان آنها را براساس بخش‌های زیر تقسیم‌بندی کرد:

۱. **ایجاد نهاد جامع نظارتی:** ضرورت تشکیل یک نهاد

واحد که بتواند نقش نظارتی و اجرایی را در حوزه اقتصاد دیجیتال ایفا کند، کاملا احساس می‌شود. این نهاد می‌تواند ضمن هماهنگ‌سازی سیاست‌ها میان بخش‌های دولتی و خصوصی، از سردرگمی اکوسیستم جلوگیری کند. ۲. **تسهیل سرمایه‌گذاری:** دولت باید با تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی شفاف و ایجاد سازوکارهای پایدار برای ساخت‌های اشتراک‌گذاری اطلاعات و خرید داده‌های کسب‌وکار بازگرداند. عرضه سهام شرکت‌های دیجیتال در بازار سرمایه و ایجاد مسیر خروج سرمایه‌گذار، از اولویت‌های مهم این حوزه است.

۳- **حکمرانی داده و استانداردسازی:** تدوین استانداردهای ملی برای تولید و تبادل داده، ایجاد زیرساخت‌های اشتراک‌گذاری اطلاعات و خرید داده‌های عمومی از بخش خصوصی، می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های بهتر در سطح کلان و توسعه پایدار کمک کند.

۴- **تسهیلگری واقعی از سوی دولت:** نقش دولت باید از مداخله‌گری به تسهیلگری تغییر کند. ایجاد فضای آزاد برای فعالیت کسب‌وکارها، حمایت از نوآوری و تعریف شفاف حوزه‌های اولویت‌دار می‌تواند انگیزه سرمایه‌گذاری و نوآوری را تقویت کند.

۵- **تمرکززدایی جغرافیایی:** دولت باید با ارائه مشوق‌ها و حمایت‌های بیشتر، زمینه رشد کسب‌وکارهای دیجیتال در استان‌های مختلف را فراهم کند. رشد درخور توجه در استان‌هایی مانند گیلان، کردستان و آذربایجان شرقی نشان می‌دهد که ظرفیت‌های منطقه‌ای برای توسعه تجارت الکترونیکی وجود دارد.

مسیرهای پیش‌رو برای اقتصاد دیجیتال ایران

اظهارنظر مدیران و کسب‌وکارهای فعال در اقتصاد دیجیتال نشان می‌دهد این بخش در ایران با چالش‌های ساختاری، سیاست‌گذاری‌های مبهم و نبود نهادهای نظارتی جامع روبه‌رو است. در شرایطی که سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در این حوزه متوقف شده و اعتماد عمومی به زیرساخت‌های دیجیتال کاهش یافته است، نیاز به تسهیلگری واقعی از سوی دولت بیش از پیش حس می‌شود.

اقتصاد دیجیتال ایران برای شکوفایی به فضای آزاد، شفافیت در قوانین، تسهیل سرمایه‌گذاری و همکاری واقعی میان بخش خصوصی و دولتی نیاز دارد. تغییر نگاه دولت از مداخله‌گری به حمایت و تسهیلگری، می‌تواند نقطه عطفی برای تحول این حوزه باشد. همچنین ایجاد یک نهاد جامع نظارتی و تدوین استانداردهای ملی برای اشتراک داده و هماهنگی میان بخش‌های دولتی و خصوصی، ازجمله ضرورت‌های مهمی است که باید در اولویت قرار گیرد.

در نهایت، فعالان این حوزه بر این باورند که ایران با بهره‌گیری از منابع انسانی توانمند خود و ایجاد شرایط مناسب برای نوآوری و سرمایه‌گذاری، می‌تواند به یکی از کشورهای پیشرو منطقه در اقتصاد دیجیتال تبدیل شود. با این حال، این مسیر تنها زمانی هموار خواهد شد که دولت و بخش خصوصی، نه به‌عنوان رقیب، بلکه به‌عنوان شرکای توسعه عمل کنند.

رادیو

چگونه به یک مدیر حرفه‌ای تبدیل شوم

در این سال‌ها، مدیران بسیاری سعی کردند آنچه در مسیر خود برای راه‌اندازی کسب‌وکار آموختند را در اختیار تازه‌کاران قرار دهند. ناصر غانم‌زاده هم از جمله این مدیران حوزه فناوری است که در یادگست «مدیر ممتاز» سعی کرده آموخته‌های خود را به صورت یکپارچه برای علاقه‌مندان به این حوزه منتشر کند. ناصر غانم‌زاده، مدیر شرکت سرمایه‌گذاری جسورانه آپاتان و بنیان‌گذار گروه استارت‌آپ‌های ایران است. او پیش از این مدیریت شتاب‌دهنده و فضای کاری فینورا را برعهده داشت و به بسیاری از استارت‌آپ‌ها و کارآفرینان مشاوره نحوه جذب سرمایه و… می‌داد. در این یادگست شما همراه غانم‌زاده می‌شوید و در این سفر راه تبدیل‌شدن از کسی که ایده دارد به کارآفرین، از کارآفرین به مدیر حرفه‌ای و از مدیر حرفه‌ای به رهبر را طی می‌کنید. در فصل اول این یادگست، غانم‌زاده به راه‌اندازی و مفاهیم استارت‌آپ‌ها و کارآفرینی پرداخت. در فصل جدید هم با افرادی که تجربه مدیریت در شرکت‌های برتر حوزه تکنولوژی دارند مانند گوگل و اپتل و… گفت‌وگوهای آموزنده انجام داده است. در جدیدترین اپیزود که سوم خردادماه منتشر شده است، او با خشایار نژاد، مدیر مهندسی در گوگل صحبت کرده است. تاکنون ۹ اپیزود از یادگست مدیر ممتاز منتشر شده است.

آپارات

فیلم‌ی انگیزشی برای کارآفرینان

زندگی مدیران شناخته‌شده و مشهور حوزه فناوری همیشه می‌تواند به تازه‌کارانی که در مسیر راه‌اندازی کسب‌وکار خود با موانع متعدد مواجه می‌شوند، انگیزشی و آموزشی باشد. فیلم Pirates of silicon valley در دزدان دریایی سیلیکون‌ولی ازجمله این فیلم‌هاست. این فیلم براساس کتاب «آتش در دره» در سال ۱۹۹۹ در زائری کمدی و بیوگرافی ساخته شده است. موضوع این کتاب ساخته‌شدن اولین کامپیوتر شخصی توسط شخصیت‌هایی به اسم پاول همپرفرگر و مایکل سوان است. مارتین بورک، کارگردان هم در این فیلم نشان می‌دهد که بیل گیتس و استیو جابز برای رسیدن به موفقیت چه مسیرهای پرپراز و نشیبی را پشت سر می‌گذارند. محوریت اصلی این فیلم بر رقابت بین شرکت‌های اپل و مایکروسافت است که این رقابت منجر به عرضه کامپیوترهای خانگی به بازار شد. البته بورک برای شخصیت‌پردازی‌های خود ترجیح داده با هیچ‌یک از شخصیت‌های اصلی در فیلم صحبت نکند. او در این مورد می‌گوید: «من نمی‌خواستم فقط یک بیوگرافی از مایکروسافت یا اپل ارائه دهم، بنابراین تصمیم گرفتم که با استیو جابز یا بیل گیتس صحبت با ملاقات نکنیم. با تیمی از محققان هاروارد، یک پروژه تحقیقاتی هفت‌ماهه را آغاز کردم و تقریبا همه چیزهایی را که در تاریخ هر دو شرکت می‌خواستم پیدا کردیم؛ از جمله مجلات فنی قدیمی دهه ۷۰». او ادامه داد: «من قصد داشتم هر صحنه براساس رویدادهای واقعی باشد؛ از جمله لحظات خارق‌العاده مانند مسابقه بولدوزر بیل گیتس در نیمه شب و پاهای برهنه استیو جابز که در طول مصاحبه شغلی متقاضیان روی میز اتاق هیئت مدیره بالاست. من دو یا چند منبع داشتم که هر صحنه را تأیید می‌کردند» البته درمورد اینکه چقدر این فیلم به واقعیت نزدیک است یا نه، حرف و صحبت‌ها بسیار است. استیو جابز پس از اکران فیلم با نوآ وایل -بازیکر نقش استیو جابز- تماس گرفت و به او گفت که از فیلم و فیلم‌نامه متفر است، اما از بازی وایل خوشش می‌آید و خاطرنشان کرد: «دو شبیه من هستی». استیو وایک، هم‌بنیان‌گذار شرکت اپل و شریک استیو جابز در مقابل نسبت به این فیلم نظر مثبتی داشت و در وب‌سایت رسمی خود درباره آن به تفصیل با طرفداران صحبت کرد. البته این موضوع را هم اعلام کرد که برخی از سانس‌های فیلم درمورد او نادرست است، اما درکل این فیلم، فیلم خوب هالیوودی از خودش و استیو جابز است. مردم و منتقدان هم هم‌نظر با وایک‌فیلم را دوست داشتند. از نظر منتقدان این فیلم یک تراژدی بسیار سرگرم‌کننده است و بینندگان را با نواهایی آشنا می‌کند که نه تنها نحوه برقراری ارتباط، بلکه نحوه زندگی ما را متحول کردند. استقبال به حدی بوده است که فیلم دزدان دریایی یا غارتگران دره سیلیکون‌ولی برنده ۲ جایزه و نامزد دریافت ۹ جایزه از جشنواره‌های مختلف شده است.